

# معرفی اجمالی شاهد صادق، دائرةالمعارفی عمومی

دکتر مجید سرمدی\*

## چکیده

شاهد صادق دائرةالمعارفی عمومی است نگاشته میرزا محمد صادق مینای آزادانی اصفهانی (۱۰۱۸-۱۰۶۱). این اثر که در شبه‌قاره هند تألیف شده، شامل پنج باب و یک خاتمه است و در مجموع پانصد و چهل و دو فصل دارد. مؤلف آن را در ۱۰۵۹ق به اتمام رسانده و به شاه شجاع بهادر تقدیم کرده است. اطلاعات تاریخی، ضبط نام‌های جغرافیایی، داده‌های مردم‌شناسی، اصطلاحات ادبی و جز آنها از مضامین این اثر به شمار می‌رود. شاهد صادق تا به امروز به صورت کامل چاپ نشده است.

**کلیدواژه‌ها:** دائرةالمعارف، شاهد صادق، میرزا محمد صادق مینای آزادانی اصفهانی.

---

\*. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور واحد کرج.

## مقدمه

شاهد صادق اثری مهم و سترگ از محمد مینای آزادی اصفهانی (۱۰۱۸-۱۰۶۱ق) است که آن را در ۱۰۵۹ ق در زمان شاه‌شجاع بهادر پسر شاه جهان گورکانی در اکبرآباد به پایان برده و به این شاهزاده تقدیم کرده است.

شاهد صادق که امروز آن را دائرةالمعارف می‌نامیم در واقع به شیوۀ پیشینیان ترکیبی از سخنان بزرگان و علما، ابیات شاعران بیشتر شناخته‌شده، احادیث و روایات داستانی مشهور و آیات قرآن است که هر کدام بنا بر مقتضای مطلب به عنوان شاهد مثال و گاه برای وضوح بیشتر مطلب و گاه برای تزئین موضوع آمده است. مؤلف با اشاره به این مطلب که بخش اعظم اثر خود را از سخنان گذشتگان نقل کرده در مقدمه‌ای که بر کتاب نگاشته است آن را به نوعی جمع‌آوری مطالب دیگران می‌خواند، اما با این وجود برای خود حق تألیف هم قائل می‌شود؛ چنانکه می‌گوید: «اگر سخنی پسندیده آید و ثقل بردارند اسم منقول عنه بر صدر بنگارند و این حقیر را به دعا یاد آرند» (گ ۱۱). این مطلب نشان می‌دهد که شاهد اصفهانی خود را مؤلف کتاب می‌داند. این ویژگی به همراه ویژگی دیگر هر یک از فصول که آوردن جمله کوتاهی در تعریف عنوان فصل است، فصل‌های شاهد صادق را به مقالات دانشنامه‌ای شبیه می‌کند. در بیشتر فصل‌ها مؤلف در مورد موضوع فصل به اندازه یک خط توضیح می‌دهد، گاه آن را معنی لغوی می‌کند، گاه حتی توضیح جامع‌تر می‌دهد و پس از آن با آوردن مثال‌های بسیار سعی در تبیین مطلب دارد. این اثر همراه کتاب دیگری به نام صبح صادق<sup>۱</sup>، دو اثر مهم و برجستۀ میرزا محمد صادق هستند که اطلاعات جامع و ارزشمندی از آداب و رسوم زمان، ضبط اعلام جغرافیایی و ثبت وقایع تاریخی را در بر دارد. به بیان دیگر، می‌توان شاهد صادق را دانشنامه‌ای عمومی خواند؛ زیرا مؤلف آن به مسائل مختلف علوم به اختصار پرداخته است. به سبب حجم بسیار زیاد این اثر تصحیح جامع و کاملی از آن تا امروز صورت نگرفته است. به نظر می‌رسد این مهم با در اختیار داشتن زمان کافی و نیز با کار گروهی انجام‌پذیر باشد، چراکه به سبب گوناگونی

---

۱. صبح صادق تا امروز به شکل کامل تصحیح و چاپ نشده است، تنها مطلع دوازدهم آن به صورت جداگانه توسط پرفسور سید امیرحسن عابدی تصحیح و در انتشارات انستیتوی تحقیقات فارسی دانشگاه اسلامی علیگره در ۲۰۰۷م به چاپ رسیده است.

مضامین این اثر - که طیفی از دانش‌های ادبی تا علوم غریبه و علم ریاضی و حتی فرهنگ عوام را در بر می‌گیرد - در پاره‌ای از مواقع رجوع به متخصص آن علم برای پرهیز از وقوع اشتباهات علمی، ناگزیر است.

### تحقیقات انجام‌شده روی شاهد صادق

باب سوم شاهد صادق بسیار قابل توجه است و نظر بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب کرده است. فصل هفتاد و نهم از این باب که تاریخ فوت اشخاص مشهور و وقایع مهم از سال ۱۰۴۰ تا ۱۰۴۱ق را در بر دارد، توسط عباس اقبال آشتیانی در چند شماره مجله یادگار در سال ۱۳۲۴ش با مقابله با دو نسخه (یکی متعلق به خود ایشان و دیگری از آن محمد مشکوة) چاپ شده است. اقبال مقدمه‌ای نیز در مورد مؤلف این اثر آورده است. عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث از روی همین قسمت‌های چاپ‌شده، هنگام تصحیح فهرس‌التواریخ اثر رضاقلی‌خان هدایت دریافتند که قسمت نخست این اثر که حوادث سال‌های ۱۰۴۰ تا ۱۰۴۱ق را در بر می‌گیرد، از کتاب شاهد صادق به سرقت رفته است (نوایی و محدث، ص ۱۲-۱۳).

میرهاشم محدث بخش خاتمه شاهد صادق را که در ضبط اعلام جغرافیایی نگاشته شده است در ۱۳۷۷ش به یاری موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی به چاپ رسانده است. صادق کیا بخش امثال فارسی یعنی فصل هشتادم از باب سوم را در کتابی به نام مثل‌های فارسی از کتاب شاهد صادق گرد آورده است. این کتاب در ۱۳۵۶ش به وسیله انتشارات اداره فرهنگ عامه به چاپ رسیده است.

مقالاتی نیز در این زمینه نگاشته شده‌اند، از جمله:

- شهریار نقوی، حیدر، «میرزا محمد صادق مینا اصفهانی»، ارمنان، دوره ۴۱، ش ۹، تهران، ۱۳۵۱.
- پیشگاهی، ریحانه، «میرزا محمد صادق مینای آزادانی اصفهانی»، فرهنگ اصفهان، ش ۳۷ و ۳۸، تهران، ۱۳۸۶.
- راشدی، حسام‌الدین، «میرزا محمد صادق مینا اصفهانی»، پارس، انجمن روابط فرهنگی پاکستان و ایران، کراچی، ۱۹۶۷م.

## معرفی میرزا محمد صادق مینای آزادانی اصفهانی

میرزا محمدصادق معروف به صادق مینا فرزند میرزا محمد صالح آزادانی اصفهانی (وفات: ۱۰۴۳ق) و از نوادگان صدرالدین محمد طبیب زبیری اصفهانی (وفات: ۸۸۸ق) است (شفیق اورنگ‌آبادی، ص ۱۵۳؛ صفا، ۵/۳)، ۱۷۵۰-۱۷۵۱). نام او در منابع به صورت‌های گوناگون ضبط شده، برای نمونه در *مآثر رحیمی صالح اردوانی*<sup>۱</sup> و در *عرفات العاشقین صالح بیگ همتی آزادانی* آمده است (اوحدی بلیانی، ج ۴، ص ۲۳۳۶). اما خود در *مقدمۀ شاهد صادق* (گ ۱۱) خود را صادق صالح اصفهانی می‌خواند. آزادان از توابع اصفهان است که خاندان او در ایران به آنجا منسوب‌اند. سبب شهره شدنش به مینا نیز آن است که در حین اسب سواری به زمین افتاد و یک چشم خود را از دست داد و چشمی از مینا ساخته و به جای آن گذاشته بود (نصرآبادی، ص ۹۰).

وی در ۳ شعبان ۱۰۱۸ در بندر سورت واقع در ایالت گجرات در مغرب هندوستان به دنیا آمد (صادق صالح اصفهانی، ص ۲۹). پدرش که اهل اصفهان بود جدّ پدری میرزا طاهر نصرآبادی نویسندهٔ *تذکرۀ نصرآبادی* است و به گفتهٔ او به سبب ناسازگاری روزگار در زمان سلطنت جلال‌الدین اکبر شاه (حکومت: ۹۶۳-۱۰۱۴ق/۱۵۵۶-۱۶۰۵م) به هند کوچ کرد و در خدمت عبدالرحیم خان خانان (۹۶۴-۱۰۳۶ق/۱۵۵۷-۱۶۲۷م)، استاندار گجرات، قرار گرفت و با کمک او مقام وزارت سورت را به دست آورد. با این اوصاف نخستین کسی که در مورد او و پدرش سخن گفته طاهر نصرآبادی است (نصرآبادی، همان‌جا، ۶۶۰). اما شفیق اورنگ‌آبادی صاحب *تذکرۀ گل رعنا* شرح حال صادق مینا را از مطلع دوازدهم از جلد سوم *صبح صادق* نگاشتهٔ خود صادق بیان می‌کند. با این اوصاف مطالب اورنگ‌آبادی که از روی زندگی‌نامه خودنوشت صادق است، مطالب دست‌اولی از زندگی او تا سال ۱۰۴۸ق را در بر دارد.<sup>۲</sup>

در *صبح صادق* مؤلف طی بیان حوادث زندگی خود بسیاری از بزرگان، شعرا و

۱. اردوانی تحریف آزادانی است، نک: پیشگاهی، ص ۷، حاشیۀ ۱۳.

۲. این قسمت از *صبح صادق* به جز *تذکرۀ گل رعنا* در مقاله‌ای به نام «میرزا محمد صادق مینا اصفهانی»، حسام‌الدین راشدی، مجلهٔ پارس، کراچی، دورهٔ ۱، ۱۹۶۷م، ش ۱-۴، انجمن روابط فرهنگی پاکستان و ایران، آمده است.

عارفان را نیز نام برده و برای معرفی هر یک مختصری توضیح داده است. اطلاعات موجود در این بخش از لحاظ تاریخی بسیار مهم است. مؤلف در این اثر درواقع به شرح زندگی علمی خود پرداخته و در میان آن، گزارش کاملی از سفرها و اتفاقات زندگی‌اش داده است. با توجه به مطالب این اثر اهم اتفاقات زندگی میرزا صالح را برمی‌شماریم.

در ۱۰۲۱ق پدر صادق از منصبی که در سورت داشت استعفا داد و به احمدآباد رفت و در ۱۰۲۲ق به خدمت شاه‌جهان در آمد. وی برای بار دوم یک سال بعد از جانب جهانگیر پادشاه، در آن دیار وزارت یافت و دو سال در آن شغل بود تا سرانجام در ۱۰۲۶ق به دلیلی که بیان نشده است از درگاه شاه‌جهان مرخص شد. پسرش در همان سال به برهان‌پور رفت، سپس در ۱۰۲۷ق وارد احمدنگر دکن شد و پس از آن در مالوه به خدمت پدر که در آن زمان عزم خدمت شاهزاده پرویز، پسر جهانگیر، را داشت رسید و همراه او در الله‌آباد به خدمت این شاهزاده نائل شد. میرزا صالح در خدمت شاهزاده به مقام میرسامانی رسید و همراه او به دکن رفت. صادق در این بین چند سالی را در پتنه و جونپور مشغول فراگیری دانش بود و از محضر استادان زیادی بهره برد و در ۱۰۳۵ق برای همراه شدن با پدرش که در رکاب شاهزاده پرویز بود، به دکن رفت (صادق صالح اصفهانی، ص ۲۹-۳۲). پس از آن همراه پدر که با شاهزاده پرویز عازم برهان‌پور شده بود، راهی آن دیار شد. در برهان‌پور شاهزاده به سال ۱۰۳۶ق درگذشت و پدرش از شغلی که داشت برکنار شد و خان جهان لودی، حاکم برهان‌پور، اقطاع میرزا صالح را باز گرفت و به همین سبب او ناچار به اکبرآباد و خدمت جهانگیر رفت. میرزا صادق پدر را در این سفر همراهی نکرد، بلکه راهی جنیر و اورنگ‌آباد شد و به کمک میر عبدالسلام مشهدی مشهور به اسلام خان که بخشی سپاه شاه‌جهان بود در سلک بندگان شاهنشاهی درآمد و در همان سال واقعه‌نویس دستگاه شاه‌جهان شد (همو، ص ۷۴). در ۱۰۳۷ق جهانگیرشاه از دنیا رفت و شاه‌جهان قدرت را در دست گرفت. در همین سال میرزا صادق به جهانگیرنगर مرکز بنگاله رفت؛ جایی که محل اقامت داماد جهانگیرشاه، قاسم خان بود. او در مقام سپهسالاری در آنجا در چند جنگ نیز شرکت کرد. میرزا صادق بعدها در دوران سرکشی قاسم خان از سردارانی بود که با وی مقابله کرد و به همین سبب مورد عتاب اعظم خان و اسلام خان پسران قاسم خان قرار گرفت. سرانجام به سبب دشمنی

اسلام خان که روز به روز زیاده‌تر می‌شد به دستور او در سلیم‌آباد بنگاله به زندان افتاد (همو، ص ۱۴۸-۱۴۹). پس از آزادی از زندان در ۱۰۴۸ ق ایام را به عزلت گذراند و در خدمت حکومت ایالتی بنگال بود تا زمانی که در همان شهر در ۱۹ ربیع الاول ۱۰۶۱ ق درگذشت (نصرآبادی، ص ۹۰؛ Storey, I/125).

### ویژگی‌های شاهد صادق

میرزا صادق سبب نامگذاری شاهد صادق را در مقدمه کتاب چنین بیان می‌کند: «آن را شاهد صادق نام کردم زیرا که گواه حال من است و نامه اعمال من و در سفر انیس و غمخوار من و در خطر جلیس و یار من و خیر جلیس فی الزمان کتاب» (گ ۱۱). او همچنین می‌گوید که بخش اعظم مطالب کتاب را از سخنان دیگران گرد آورده و خود در موارد اندکی چیزی نگاشته است (همان‌جا). به این اعتبار شاهد صادق مانند سایر دائرةالمعارف‌ها است که مقالات آن با استفاده از منابع گوناگون نوشته می‌شود. مؤلف در مقدمه افزوده است که در زمانی کوتاه مطالبی را که در زمان‌های مختلف بر حسب احتیاج نوشته است، گردآوری کرده و سامان داده است. این سامان دادن به گفته خودش چندان به دقت نبوده؛ چنانکه اذعان دارد ممکن است در کتاب مطالب تکراری به چشم بخورد و یا اینکه در فصل‌بندی و عنوان‌هایی که ذیل باب‌ها آمده پیوستگی موضوعی گاه رعایت نشده باشد (همان‌جا).

ویژگی دیگر که این اثر را به دائرةالمعارف‌های امروزی نزدیک می‌کند آوردن جمله کوتاهی در تعریف عنوان فصل<sup>۱</sup> است. در بیشتر فصل‌ها مؤلف درباره موضوع فصل یک خط توضیح می‌دهد، گاه آن را معنی لغوی می‌کند گاه هم توضیح کامل‌تری دست می‌دهد و پس از آن با آوردن مثال‌های بسیار سعی در تبیین مطلب دارد.

مثال‌هایی که مؤلف به کار برده است طیف گسترده‌ای را در بر می‌گیرد از آیه‌های قرآن و احادیث گرفته تا سخنان منسوب به دانشمندان و حکیمان دوره‌های مختلف. او همچنین سرتاسر اثر خود را با آوردن ابیاتی از مثنوی، غزلیات سعدی، کلیات عبید زاکانی، کشکول شیخ بهایی، قصائد خاقانی، منطق الطیر و سایر آثار ادبی آراسته است.

۱. معادل جمله تعریف در مقالات دانشنامه‌ای.

شاهد صادق به اعتبار ضرب‌المثل‌های بسیاری که در آن گرد آمده است و همچنین به سبب توصیف بازی‌ها و آداب عامه مردم که در باب چهارم بیان شده است دریچه‌ای به سامان اجتماعی روزگار مؤلف بر ما می‌گشاید.<sup>۱</sup> از دیگر مطالب خواندنی این اثر بیان مذاهب مختلف رایج در زمان مؤلف از کیش هندو گرفته تا مذاهب اسلامی است که می‌تواند در بررسی سیر تطور نحله‌های فکری مفید باشد.<sup>۲</sup> ذکر و شرح بازی‌های مختلف که در باب چهارم آمده است نیز از دیگر مطالب خواندنی این اثر است.<sup>۳</sup> توجه به موضوعات مربوط به طبیعت مانند باد، آب، آتش، کواکب، ریاحین، ابر و برف و باران و نباتات و اشجار که در باب پنجم به آن پرداخته شده هم قابل توجه است.

میرزا صادق به سبب حشر و نشر با دانشمندان، ادیبان و شخصیت‌های فرهنگی بی‌شماری که نام برخی را در صبح صادق آورده است<sup>۴</sup>، و نیز امکان دسترسی به آثار مختلف این اشخاص توانسته گنجینه‌ای از دانشی را که در مدت زمان حیاتش فرا گرفته است در شاهد صادق سامان دهد و در اختیار دیگران بگذارد.

زبان این اثر زبانی ساده و گویا و خالی از هرگونه زینت ادبی است، حتی ابیات مورد استفاده مؤلف ابیاتی ساده و همه‌فهم است. با این وجود در جاهایی که مؤلف از آثار دشوارفهمی استفاده کرده نتوانسته است از تأثیر ناخودآگاه سبک این آثار برکنار بماند. شاهد صادق مملو از داده‌های ارزشمندی است که کشف‌ناشده باقی مانده است. برای مثال، اصطلاح جالب سرگوشی کردن که به معنای درگوشی صحبت کردن استفاده شده است.

۱. برخی از فصولی که درباره فرهنگ عامه نگاشته شده‌اند عبارت‌اند از: عیادت (فصل ۶۱ باب ۳)؛ رمل (فصل ۶۶ باب ۳)؛ فالگیری (فصل ۶۶ باب ۳)؛ شانه‌شناسی (فصل ۶۷ باب ۳)؛ کهانت (فصل ۶۸ باب ۳)؛ تعبیر (فصل ۶۹ باب ۳)؛ امثال فارسی (فصل ۸۰ باب ۳)؛ نشست و برخاست (فصل ۶ باب ۴)؛ دیدار (فصل ۷ همان)؛ ادب خوردن (فصل ۲۸ همان)؛ خوراک دادن (فصل ۳۹ همان)؛ سفره کشیدن (فصل ۴۰ همان)؛ مهمان کردن (فصل ۴۱ همان)؛ شوخی‌ها (فصل ۴۴ همان)؛ پوشاک (فصل ۴۶ همان)؛ عروسی و شادی (فصل ۵۶ همان)؛ عزاداری (فصل ۵۹ همان)؛ ناخن گرفتن (فصل ۷۴ باب ۵)؛ عطسه (فصل ۷۳ همان)؛ شوخی (فصل ۸۷ همان).

۲. برای نمونه، مذاهب و اختلاف آنها (فصل ۲۱ باب ۱)؛ در مذاهب (فصل ۳۱ همان)؛ در کیش هندو (فصل ۲۸ همان).  
۳. برای نمونه، لعب و قمار (فصل ۶۰ باب ۴)، نرد (فصل ۶۱ همان)، شطرنج (فصل ۶۲ همان)؛ چورنگ (فصل ۶۳ همان)؛ گنجفه (فصل ۶۴ همان)؛ لعب‌های دیگر (فصل ۶۵ همان)؛ چوگان‌بازی (فصل ۶۶ همان).

۴. برای نمونه، شیخ شاه محمد جونپوری، میر معزالدین محمد یزدی، و مولانا عبدالشکور (نک: صبح صادق، ص ۳۳-۳۵).

هرمان اته این اثر را هم‌ردیف کتاب‌هایی چون *چهار مقاله* نظامی عروضی و نگارستان قاضی احمد بن محمد بن عبدالغفور قزوینی دانسته است (اته، ص ۲۳۶). او همچنین شاهد صادق را شامل مجموعه مفصلی از جملات اخلاقی و حکایات تاریخی می‌داند و می‌افزاید که تعدادی از امثال فارسی نیز در آن به چشم می‌خورد (همو، ص ۲۳۷). از دیگر ویژگی‌های بارز این اثر استفاده بسیار میرزا صادق از حکایات طنزآمیز است.

فصل‌بندی این اثر به صورت زیر است:

باب اول: در ذکر خدا و رسول و نبوت و ولایت و ایمان و اسلام و حسنات و سیئات، و آنچه بدین مناسب بود (در ۱۰۷ فصل)؛ باب دوم: در ریاست و سلطنت و حکومت و آداب و متعلقات آن (در ۷۷ فصل)؛ باب سوم: در عقل و علم و عیب و هنر و آنچه مناسب است بدان (در ۸۰ فصل)؛ باب چهارم: در عشق و محبت و عداوت و فقر و غنا و عیش و غم و لهو و لعب و سعی و سفر و آنچه به آن لایق بود (در ۷۵ فصل)؛ باب پنجم: در عالم و زمان و بقا و فنا و موت و حیات و ذکر افلاک و عناصر و موالید و آنچه متعلق است بدان (در ۹۶ فصل)؛ خاتمه در ضبط اسماء (در ۱۰۷ فصل)<sup>۱</sup>.

با نظر به فهرست ابواب و فصل‌های کتاب می‌توان دریافت که اغلب فصل‌های مربوط به یک موضوع پشت سر هم نگاشته شده‌اند، برای مثال در باب دوم، فصل بیست و پنجم در قضا و آداب آن است که پس از آن به ترتیب فصل‌های فتوی، احتساب، اقامت حدود، معاملات، رشوت، شهادت، قسم و جز آنها می‌آید. با نگاه به موارد مشابه دیگر در فهرست می‌توان نتیجه گرفت هر کدام از فصل‌هایی که پس از آنها فصل‌های مربوط به آن آورده شده به نوعی عنوان اصلی و فصل‌های بعدی عنوان‌های فرعی آن مطلب به شمار می‌روند. افتادگی عجیبی در تمام نسخه‌هایی که در اختیار اینجانب بوده است در باب سوم کتاب وجود دارد. با نظر به مقاله پیشگاهی در مورد شاهد صادق و نیز اطلاعات محدث گویا این افتادگی در نسخه‌های مورد نظر آنها نیز وجود داشته است. این افتادگی فصل‌های زیر را در بر می‌گیرد: ۳۷- در وعظ و نصیحت ۳۸- در ذکر

۱. برای فهرست کامل فصول شاهد صادق، نک: محدث، میرهاشم، مقدمه بر خاتمه شاهد صادق، ص ۵-۱۲.



خطیب و واعظ ۳۹- در صورت بعضی از خطب ۴۰- در صورت بعضی از رسائل ۴۱- در خط و کتابت ۴۲- در دوات و قلم ۴۳- در رسائل و مکاتب ۴۴- (آغازش افتاده است) در شعر و شاعران ۴۵- (افتادگی در آغاز) در صله شعرا. ۵۱- در قرائت ۵۲- در قرآن و تلاوت آن ۵۳- در تفسیر ۵۴- در حدیث ۵۵- در دعوات ۵۶- در کلام ۵۷- در فقه و اصول ۵۸- در طلب.

## منابع

- اته، هرمان، *تاریخ ادبیات ایران*، ترجمۀ صادق رضازاده شفق، تهران، ۱۳۵۶.
- اقبال آشتیانی، عباس، «شاهد صادق»، یادگار، ش ۴-۱۰، تهران، ۱۳۲۴.
- اوحدی بلیانی، تقی‌الدین محمد، *عرفات العاشقین*، به کوشش ذبیح الله صاحبکاری و آمنه فخر احمد، تهران، ۱۳۸۹.
- پیشگاهی، ریحانه، «میرزا محمد صادق مینای آزادانی اصفهانی»، فرهنگ اصفهان، ش ۳۷ و ۳۸، تهران، ۱۳۸۶.
- راشدی، حسام‌الدین، «میرزا محمدصادق مینا اصفهانی»، پارس، شماره‌ی خصوصی جشن فرخنده تاجگذاری اعلیحضرتین، انجمن روابط فرهنگی پاکستان و ایران، کراچی، ۱۹۶۷م.
- شفیق اورنگ‌آبادی، لچهمی نرائن، *شام غریبان*، به کوشش محمد اکبرالدین صدیقی، کراچی، ۱۹۷۷م.
- شهریار نقوی، حیدر، «میرزا محمد صادق مینا اصفهانی»، *رمغان*، دورۀ ۴۱، ش ۹، تهران، ۱۳۵۱.
- صادق صالح اصفهانی، *شاهد صادق*، نسخه‌ی خطی ش ۹۵۷۵ کتابخانۀ دانشگاه تهران، ۱۲۴۴ق.
- \_\_\_\_\_، نسخه‌ی خطی کتابخانۀ دانشگاه میشیگان، ۱۲۹۷ق.
- \_\_\_\_\_، نسخه‌ی خطی شماره‌ی ۵۰۲۸ کتابخانۀ مجلس، ۱۲۶۹ق.
- \_\_\_\_\_، نسخه‌ی خطی شماره‌ی ۷۷۰ کتابخانۀ مجلس، ۱۳۱۴ق.
- \_\_\_\_\_، به کوشش سید امیرحسن عابدی، علیگره، انتشارات انستیتوی تحقیقات فارسی، ۲۰۰۷م.
- صفا، ذبیح الله، *تاریخ ادبیات در ایران*، انتشارات فردوس، تهران، ۱۳۸۹.
- کیا، صادق، *مثل‌های فارسی از کتاب شاهد صادق*، انتشارات اداره‌ی فرهنگ عامه، تهران، ۱۳۵۶.
- محدث، میر هاشم، *خاتمۀ شاهد صادق*، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۷۷.
- نصرآبادی، محمد طاهر، *تذکرۀ نصرآبادی*، به کوشش احمد مدقق یزدی، یزد، ۱۳۷۸.
- نوایی، عبدالحسین و میرهاشم محدث، *فهرس/تواریخ*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۳.
- Storey, C. A., *Persian Literature: A Bio-Bibliographical survey*, London, 1970-1994.